



قطر کشوری است که در جنوب‌غربی آسیا در شرق شبه‌جزیره عربستان و در بخش جنوبی خلیج‌فارس واقع شده است. قطر مرز مشترک زمینی با عربستان و مرز آبی با کشورهای ایران، کویت، عراق، بحرین، عربستان و امارات عربی متحده دارد. قطر به صورت امارتی مطلقه و ارثی از میانه سده ۱۹ میلادی توسط خاندان «آل ثانی» اداره می‌شود. این کشور تا سال (۱۹۷۱ تحت‌الحماهیة بریتانیا بود که بعد از رفتن بریتانیا از منطقه غرب آسیا و شرق کانال «سوئز» این کشور به استقلال رسید. این کشور دارای ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر جمعیت است که ۳۰۰ هزار نفر آن بومی و مابقی تبعه کشورهای دیگر هستند که در قطر مشغول به کار هستند. این کشور به واسطه ذخایر سرشار گاز طبیعی و فروش آن، بالاترین درآمد سرانه را در جهان دارد و به گزارش مجله «فوربس» یکی از مشهورترین‌مجله‌های اقتصادی جهان،ثروتمندترین کشور دنیا محسوب می‌شود. نظام سیاسی قطر دیکتاتوری بوده که در خاندان آل ثانی و نزدیکان آن متمرکز شده است. رفتار قطر در حوزه سیاست خارجی، دیپلماسی «درهای باز» است. همین موضوع باعث شده جریان‌ها و کشورهای بعضاً متخاصم و با منافع متضاد در قطر دفتر نمایندگی یا حضور گسترده داشته باشند. به‌طور مثال طالبان در قطر دفتر نمایندگی دارد. از طرفی بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در خلیج‌فارس نیز در خاک این کشور واقع شده است. اما آنچه باعث شد به بررسی رویدادها و روندهای قطر در سال ۹۶ بپردازیم بحران قطع روابط سیاسی این کشور با دولت‌های اربعه (عربستان، مصر، بحرین و امارات) بود که در تاریخ ۱۵ خرداد ۹۶ اتفاق افتاد. متعاقب این وضعیت، تحولات دیگری نیز به وقوع پیوست که معادلات و مناسبات بحران را پیچیده‌تر کرد به طوری که با گذشت بیش از ۱۰ ماه هنوز چشم‌انداز روشنی برای حل بحران وجود ندارد و ۲ طرف روزانه حملات شدید سیاسی- رسانه‌ای علیه یکدیگر طراحی کرده و اجرا می‌کنند با این مقدمه نوشتار پیش رو در نظر دارد ضمن شرح مختصر بحران، تحولات بعدی ناشی از آن را بررسی کرده و در پایان دورنمایی از بحران قطر ارائه دهد.

۱- بحران سیاسی قطع روابط با قطر

خرادماه سال گذشته خبر گزاری قطر سخنانی را از قول «حمیم بن حمد آل ثانی» امیر این کشور در دفاع از ایران و حزب‌الله منتشر کرد که بلافاصله در صدر رسانه‌های جهان و شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. تمیم بن حمد در این سخنان حزب‌الله را حزبی مقاوم و ایران را دولتی اسلامی توصیف کرد که نمی‌توان وزن و جایگاه آن را در منطقه نادیده گرفت. امیر قطر ضمن حمله مستقیم به مصر، بحرین و امارات، اشاره‌ای ضمنی به عربستان کرده و رفتار خاندان سعودی در حمایت از نسخه خشونت‌محور اسلام و نمایندگی وهابیت را خطر حقیقی و عامل اصلی پرورش‌دهنده تروریسم دانست. همین اظهارنظر باعث شد دولت‌های اربعه (مصر، امارات، عربستان و به تبع آنها بحرین) روابط دیپلماتیک خود با قطر را قطع کرده و مسلح مراءدات و معاملات اقتصادی، تجاری و سیاسی خود با دوحه را به حداقل برسانند. این خصومت در این سطح متوقف نشده و ۴ کشور مزبور ضمن محاصره زمینی، هوایی و دریایی قطر، در رسانه‌ها و موضع‌گیری‌های خود بیشترین انتقاد و اتهام را علیه دوحه مطرح کرده و این دولت را به تجهیز و تسلیح جریان‌های تروریستی منطقه متهم کردند. همزمان با قطع روابط دیپلماتیک، هجمه شدید اقتصادی و رسانه‌ای علیه دولت قطر از سوی کشورهای مطیع و تابع عربستان تدارک دیده شد به طوری که کشورهای تابع عربستان ضمن محاصره اقتصادی قطر و متوقف کردن معاملات خود با ریال این کشور، هر کدام به نوبه خود موضع مشابهی علیه قطر اتخاذ کردند. به

نگاهی به ویژگی‌های بحران منطقه‌ای همسایه کوچک جنوبی ایران

# قطر به کدام سو غش خواهد کرد؟!

- محمدگلی

آن، جسارت و شهامت دوحه برای واکنش متقابل برابر محاصره کنندگان را افزایش داد.

۲- قطر و شورای همکاری خلیج‌فارس؛ تعلیق یا

اخراج و پیامدهای سلبی

سطح بحران میان طرفین به موارد اشاره‌شده در بالا محدود نشده و به شورای همکاری خلیج‌فارس نیز سرایت کرد. «برددیپلماتیک» دولت‌های اربعه و قطر، آینده شورای همکاری خلیج‌فارس را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است به طوری که ۴ دولت متخاصم قطر، اخراج یا تعلیق عضویت دوحه در شورای همکاری خلیج‌فارس را مطرح کرده و دوحه نیز در عکس‌العملی متقابل خروج خودخواسته از شورا به دلیل «ز بین رفتن ماهیت، هدف و کار آمدی» آن را رسانه‌ای کرد. در همین راستا معاون نخست‌وزیر قطر درباره تأثیر بحران اخیر در کشورهای عربی بر شورای همکاری خلیج‌فارس گفت: «ما شورای همکاری را از نظر من اعتبار این شورا به پایان رسیده است». همچنین قطر تهدید کرد در صورت تصادم این وضعیت از شورای همکاری خلیج‌فارس خارج خواهد شد. با این وجود به نظر می‌رسد احتمال اخراج یا خروج خودخواسته قطر در وضعیت کنونی ناچیز است و این اظهارنظرهای رسانه‌ای، بیشتر جنبه سیاسی دارد. دولت‌های اربعه تلاش می‌کنند با طرح اخراج یا تعلیق عضویت قطر، این کشور را مجاب کنند مطابق خواسته‌های آنها عمل کرده و رفتار خارجی خود را منطبق بر خواسته‌ها و منافع آنها تنظیم کنند. از طرفی قطر نیز با طرح خروج خودخواسته از شورا به دنبال تهدید ماهیت و موجودیت شورااست تا کشورهای محاصره‌کننده را وادار کند از اعمال فشار و محاصره و تحمیل خواسته خود به این کشور دست بردارند، چرا که در اساسنامه شورا به هیچ‌وجه لفظ «خارج» یا «تعلیق» نیامده، بلکه تنها اشاره به اتخاذ «تصمیمات متناسب» با اختلافات شده است. در ماده ۱۸ منشور شورای همکاری خلیج‌فارس بهایات تحت عنوان «هیئات حل منازعات» در نظر گرفته شده که زیر نظر شورای عالی فعالیت می‌کند. هنگامی که اختلافی در تفسیر یا اجرای اساسنامه یا اختلافی میان اعضا شکل بگیرد

–بستن مرزهای آبی، هوایی و خاکی ۴ کشور با قطر –بیرون کردن همه اتباع قطری از کشورهای خود –عدم اجازه ورود اتباع قطری به کشورهایشان –منع پروازهای هوایی به کشور قطر –عدم اجازه پرواز هواپیماهای قطری به کشورهایشان –اخراج قطر از ائتلاف نظامی به رهبری عربستان –لغو مجوز فعالیت شبکه خبری الجزیره و بستن دفتر آن در عربستان –تعیین ضرب‌الاجل برای خروج اتباع خود از کشور و …

دولت‌های محاصره‌کننده بعد از این کنشگری‌های هماهنگ و با این پیشفرض که راهبرد تنبیهی آنها منتج به نتیجه شده است، ۱۳ شرط پیش روی قطر قرار دادند تا به محاصره این کشور پایان داده و روابط خود با آن را عادی کنند. قطر ضمن مغرضانه و ناعادلانه خواندن شروط مطرح‌شده، از پذیرفتن آنها سر باز زد. شروط سیزده‌گانه مطرح‌ه دولت‌های اربعه از قرار زیر بود که مورد موافقت دوحه قرار نگرفت:

کاهش روابط دیپلماتیک با ایران، اخراج همه افراد مرتبط با سپاه پاسداران که در قطر حضور دارند، روابط تجاری با ایران در چارچوب تحریم‌های آمریکا، تعطیلی کامل شبکه الجزیره، بسته شدن پایگاه نظامی ترکیه در قطر، قطع حمایت از حزب‌الله لبنان، قطع حمایت از اخوان‌المسلمین، قطع حمایت از القاعده، قطع حمایت از داعش، عدم اعطای تابعیت به شهروندان ۴ کشور عربستان، امارات، بحرین و مصر که در تنش با دولت‌های این کشورها به سر می‌برد، انتشار لیستی از گروه‌های اپوزیسیون حمایت شده در ۴ کشور عربستان، امارات، بحرین و مصر، تحویل اشخاصی که از سوی این ۴ کشور تحت تعقیب بوده و متهم به انجام اقدامات تروریستی هستند، پرداخت مبالغی معین به ۴ کشور محاصره‌کننده و…<sup>(۱)</sup>

بررسی شروط سیزده‌گانه، برجستگی نقش و جایگاه ایران را مشخص می‌کند. به عبارتی به نظر می‌رسد عربستان و رژیم‌های همسو و هم‌جهت این بار برای تحریک ایران برای کنش متقابل، قطر را ابزار و سلاح قرار داده بودند تا ایران را هدف گرفته و نشانه‌گیری کنند اما حکمت و مئاند دستگاه سیاست خارجی ایران نقشه پیچیده و خطرناک عربستان را نقش بر آب کرد. ایران در سیاستی دیگر و به نوعی کنشی رو به جلو مرز هوایی خود را به روی قطر باز کرده و اعلام کرد حاضر است مایحتاج قطر را در دوران محاصره تأمین کند. از طرفی ترکیه نیز در حمایت از قطر اعلام کرد اگر عربستان به دوحه حمله کند تا توطئه‌ای(کودتا) علیه خاندان آل ثانی تدارک ببیند، انکارا، ریاض را موشکباران خواهد کرد. ورود بازیگران مختلف به بحران ضمن پیچیده‌تر کردن معادلات و مناسبات

تسری» در اختلافات و موضوعات سیاسی موجب شد مسأله حج نیز جایگاه خود را در تنش میان دولت‌های اربعه بویژه ریاض بسا دوحه باز کند. به گونه‌ای که قطر در بیانیه‌ای اعلام کرد ریاض از همکاری برای تأمین امنیت حجاج قطری طفره رفته و درصدد دخالت دادن مسائل سیاسی در ادای فریضه حج به عنوان رکنی از ارکان دین مبین اسلام است که این اقدام ریاض و برخورد سیاسی با موضوع حج، موجب محرومیت جمع کثیری از مسلمانان از ادای این فریضه می‌شود. در واکنش به اتهامات قطر علیه عربستان، دولت ریاض ضمن نفی و رد اظهارات قطری‌ها و اظهار تدارک تمام امکانات رفاهی و امنیتی عنوان داشت دوحه درصدد سوءاستفاده سیاسی از حج و بین‌المللی کردن اداره آن و دامن زدن به این موضوع است که ایران نیز سال گذشته مسأله عنوان‌شده را مطرح کرده بود. با مقامات سعودی با این استدلال عنوان کردند به نظر می‌رسد هماهنگی خاصی بین ایران و قطر در بین‌المللی کردن و مدیریت مشترک حج وجود داشته باشد که مدیریت و هدایت‌شده از جانب ایران است. در واکنش به خواست قطری‌ها مبنی بر رعایت حقوق زائران خانه خدا، «عادل الجبیر» وزیر خارجه عربستان با تفسیر درخواست قطر به «بین‌المللی کردن» شعائر و مناسک مقدس اسلامی، آن را رفتار خصمانه و اعلان جنگ قطر علیه پادشاهی سعودی عنوان کرد. در برخورد سیاسی عربستان با مسأله اسلامی حج و اختلافات فی‌مابین در ۲ سطح اجرایی و سیاسی تداوم یافت. در رویکرد اجرایی کار به جایی رسید که خطوط هوایی عربستان اعلام کرد نتوانسته هواییمایی را برای انتقال حجاج قطری اعزام کند، چرا که قطر مجوز این سفرها را کسب نکرده است. در واکنش به این اقدام ریاض، وزارت خارجه قطر اعلام کرد کوناهی در انتقال حجاج قطری از طریق خطوط هوایی عربستان اقدامی بی‌سابقه و غیرمنطقی بوده که عدم تمایل ریاض برای همکاری با وزارت اوقاف و حج قطر و سوءاستفاده سیاسی در رابطه با حج را به منصفه ظهور می‌رساند.

تنش سیاسی سرایت کرده به موضوع حج در رسانه‌های دوحه و دولت‌های اربعه نیز بسا شدت و حدت پیگیری شد به‌طوری‌که رسانه‌های رسمی و غیررسمی مورد حمایت دولت‌های مذکور، یکدیگر را به سوءاستفاده سیاسی از حج متهم کرده و مقامات دولت‌های اربعه و به تبع آن مقامات دوحه علیه یکدیگر موضع‌گیری کرده و اتهاماتی را نسبت به هم مطرح کردند. دوحه در رسانه‌های خود بویژه الجزیره به اختلافات بین خود و دولت‌های اربعه پرداخته و ناکارآمدی و بی‌کفایتی عربستان در مدیریت حج و تلاش این کشور برای استفاده ابزاری و سیاسی از حج را مورد بررسی قرار داد به‌طوری‌که این مسأله به شبکه‌های اجتماعی نیز سرایت کرد و موضوع حج و نحوه مدیریت و سیاست‌گذاری بر آن به مسأله اول کاربران شبکه‌های اجتماعی کشورهای در گیر تبدیل شد. به عبارتی قطر توانست با استفاده از دیپلماسی عمومی و از طریق به کارگیری و بسیج رسانه‌های جمعی، سوءاستفاده سیاسی آل سعود در رابطه با موضوع زیارت خانه خدا را به موضوعی چالش‌زا و مضطرب‌ساز برای سعودی‌ها تبدیل کند که عربستان را ناگزیر در وضعیت تدافعی قرار داد. همین اقدام قطر توانست تردید ایجادشده در توانایی عربستان در مدیریت مراسم عبادی و سیاسی حج را تشدید کرده و افکار عمومی را نسبت به این موضوع مسأله‌آرد کند. در عرصه بین‌المللی نیز کمیته ملی حقوق بشر قطر بعد از اتفاقات رخ داده، اعلام کرد شکایت خود را به سازمان ملل، علیه عربستان سعودی به اتهام سوءاستفاده سیاسی از حج و ایجاد موانع در

با توجه به حمایت‌هایی که قطر از

جانب ترکیه و ایران می‌شود، تا

زمانی که دولت‌های محاصره‌کننده

در مطالبات خود تعدیل لحاظ نکنند

نمی‌توان برای بحران قطر پایانی

متصور شد، بنابراین همانطور که

شروع‌کننده بحران دولت عربستان

و رژیم‌های مطیع آن بودند،

پایان‌دهنده بحران نیز عربستان و

این رژیم‌ها خواهند بود

راه شهروندان و ساکنان قطری که مایل به انجام مراسم حج و عمره بودند ارائه داده است. در شکایت کمیته مزبور آمده که دوحه نگرانی شدید خود را در رابطه با سوءاستفاده سیاسی از حج و شعائر دینی و استفاده از آنها برای نیل به اهداف سیاسی اعلام کرده و آن را نقض صریح تمام میثاق‌نامه‌های بین‌المللی که آزادی عمل در ادای مناسک و مراسمات مذهبی را به رسمیت می‌شناسد، قلمداد می‌کند.<sup>(۲)</sup> قطر در راستای مواجهه با سیاسی‌کاری عربستان، شکایتیه دیگری تدارک دیده و آن را به سازمان علمی- فرهنگی – آموزشی ملل متحد (یونسکو) تحویل داد. مضمون این شکایتیه از نهاد مزبور درخواست می‌کند مراحل «بین‌المللی کردن اداره حج» را هر چه سریع‌تر و وسیع‌تر در دستور کار قرار داده و آن را از مجاری سازمان‌های بین‌المللی مربوط پیگیری کند. اختلافات مذکور در حوزه‌های مختلف همچنان نیز ادامه دارد به گونه‌ای که مقامات و رسانه‌های وابسته به ۲ طرف روزانه علیه یکدیگر فعالیت می‌کنند. به طور مثال عربستان، قطر را به همکاری امنیتی پنهان با رژیم صهیونیستی متهم کرده و در این رابطه اسنادی را منتشر کرده است. در مقابل شبکه الجزیره وابسته به قطر نیز طی مستندی ۲ قسمتی از نقش امارات، بحرین، مصر و عربستان در کودتای ۱۹۹۶ قطر پرده برداشت.

۴- دورنمای قطر در سال ۹۷

ماه مارس و آوریل جاری طرف‌های اصلی در گیر بحران (محمد بن‌سلمان، محمد بن زاید و تمیم بن حمد آل ثانی) به آمریکا سفر کرده و در کاخ سفید با «ونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا دیدار کردند. کارشناسان بر این نظرند که ترامپ تمام تلاش خود را معطوف کرده تا با پایان دادن به بحران قطر در حوزه سیاست خارجی دستاوردی را به نام خود ثبت کند. از طرفی تداوم بحران روز به روز بر نزدیکی و بهبود روابط دوحه- تهران افزوده است. موضوعی که به هیچ‌وجه خوشایند آمریکا نیست، لذا به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور آمریکا، مقامات عربستان و امارات را متقاعد و مجاب کند تا سطح مطالبات خود از قطر برای پایان دادن به بحران را تعدیل کنند. به‌زعم نگارنده با توجه به حمایت‌هایی که قطر از جانب ترکیه و ایران می‌شود، تا زمانی که دولت‌های محاصره‌کننده در مطالبات خود تعدیل لحاظ نکنند نمی‌توان برای بحران قطر پایانی متصور شد، بنابراین همانطور که شروع‌کننده بحران دولت عربستان و رژیم‌های مطیع آن بودند، پایان‌دهنده بحران نیز عربستان و این رژیم‌ها خواهند بود. این امر نیز با تعدیل مطالبات دولت‌های محاصره‌کننده حاصل خواهد شد. نگاهی به کنش سیاست خارجی بن‌سلمان در طول این مدت کوتاه نشان‌دهنده این موضوع است که سیاست‌های عجولانه و غیرمنهجه او، بحران‌هایی را ایجاد کرده که بیرون آمدن از این بحران‌ها دیگر از دست او خارج شده است. یمن در این‌باره مثال خوبی است. لذا مسأله قطر نیز با توجه به پیچیدگی‌های آن بحرانی نیست که بن‌سلمان براحتی بتواند از آن خارج شود مگر اینکه در این زمینه امتیازهای مثبتی به طرف مقابل بدهد. به نظر می‌رسد قطر هم از ادامه بحران چندان خشنود نباشد.

پی‌نوشت

۱- «شروط سیزده‌گانه کشورهای عربی برای قطر/ از قطع روابط دیپلماتیک با ایران تا تعطیلی پایگاه نظامی ترکیه»، بازیابی در پیوند زیر:

http://www.saat24.news/news/272255/

۲- محمد گلی، «قطر وشورای همکاری خلیج‌فارس؛

تعلیق یا اخراج»، بازیابی در پیوند زیر:

http://tabyincenter.ir/20324/

۳- محمد گلی، «مقایسه رفتار ایران و قطر در قبال سوءاستفاده سیاسی عربستان از حج»، بازیابی در پیوند زیر:

http://tabyincenter.ir/20778/

منبع: تبیین

## آسیب‌شناسی برندسازی ایرانی در راستای حمایت از کالای ایرانی

حسین زمانی‌میقان<sup>۱</sup>: به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران و فعالان اقتصادی، امروز در دنیای حاکمیت رسانه و ابزارهای تکنولوژیک، با جهانی سراسر تصاویر متنوع و مختلف، درک ذهنی مصرف‌کنندگان کالاها از «برند» مهم‌ترین دلیل انتخاب یک کالااست. به عبارتی برند و نام تجاری، یک مجموعه گره‌های ذهنی، کارکردی و احساسی است که ذهن بازار هدف را تصاحب و اشغال کرده است. این سابقه و فضای اشغال شده ذهنی، مزایا یا فواید برند است که مبنای تصمیم‌گیری برای خرید آن واقع خواهد شد. «برند» همان چیزی است که مخاطب با دیدن، شنیدن، حس کردن یا هرگونه ارتباطی با آن به‌صورت مفهومی، دیداری یا لفظی، صفات و ویژگی‌های خود را در ذهن و قلب مخاطب تداعی می‌کند. برند شامل همه احساسات، ویژگی‌ها و مفاهیمی است که به یک نام تجاری برای جذب و افزایش مصرف گرّه خورده است؛ می‌دانیم که برندسازی فرآیند معنا بخشیدن به یک نام و مجموعه‌ای از راهکارهاست که به نام تجاری، هویت مشخصی دارد و جایگاه آن را در بازار نسبت به رقبا مشخص و متمایز می‌کند. همچنین برندسازی شامل مباحث مختلفی چون جایگاه‌یابی و جایگاه‌سازی برند، انتخاب نام موثر برای برند، ایجاد طبقه‌بندی جدید، انتخاب رنگ برند و طراحی لوگو برای آن، بسط برند یا محدود کردن دامنه تمرکز، عشق و ارزش برند، روابط عمومی، رویدادسازی و تبلیغات است و در همین راستا موضوع «وفاداری به برند» در دنیا یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه تولیدکنندگان است و شرکت‌ها همواره به دنبال راهایی برای کسب و جلب وفاداری مشتریان هستند. یکی از مهم‌ترین معیارهای وفاداری به برند، عامل یادآوری و نیاز آوری به برند با گره کالایی خاص است که زمینه‌را برای خریدهای مجدد مشتریان فراهم می‌آورد. در همین راستا اگر برندسازی در داخل کشور محقق نشود، اگر تفاوت کالای داخلی با نمونه خارجی آن نمایان نشود، اگر هویت ایرانی کیفی یکی کالا به مشتری اوخته و یادآوری نشود، هیچ‌گاه تولیدکنندگان ایرانی به فروش آتی، شهیدگی، باثبات و سود بلندمدت نخواهند رسید و مردم نمی‌توانند با محصولات تولید داخل رابطه احساسی- عاطفی برقرار کنند یا به عبارتی در چنین وضعیتی نتهند به کالاهای داخلی وفادار خواهند بود که حتی بازشناسی هویت یک کالای داخلی را نیز نخواهند داشت. با توجه به وضعیت اقتصادی و فرهنگی کشور، عقیده من این است که «کالای ایرانی» امروز حامی خود را در بین مردم کشور و به عبارتی مصرف‌کنندگان ایرانی دارد اما حامیانی سرگردان و حیران در انتخاب به واسطه عدم شناخت یک کالا با هویت ایرانی؛ در چنین شرایطی تولیدکنندگان ایرانی باید دود را به حامیان و مصرف‌کنندگان تولیدات داخلی، در ابتدا از جهت ایرانی بودن و متعاقبا دارای کیفیت بودن شناسانند و به آنها آدرس مناسبی که از آن در علم فروش به نام «برند» نام برده و تعبیر می‌شود بازشناسند تا حمایت حامیان کالاهای داخلی هدفمند و متمرکز به آنها شود. امروز به‌واقع برخی کالاهای ایرانی از ظرفیت و کیفیت بالایی برخوردارند اما در سایه نبود برندسازی مناسب، شناخته نشده و آنطور که باید، نتوانسته‌اند جایگاه خود را در بازارهای داخلی و همچنین خارجی بیابند. مناسفانه ما مشاهده می‌کنیم تولیدکنندگان ایرانی در این عرصه نتوانسته‌اند در زمینه برندسازی موفق عمل کنند البته می‌توان ادعا کرد شرایط و زمینه‌های متفاوت مالی، ذهنی و اداری واحدهای تولیدی در کشور آتقدیر بالا بوده که تولیدکننده توان خود را در این عرصه متمرکز کرده و قید برندسازی را زده اما نمی‌توان از چنین آسیبی در عرصه اقتصاد کشور براحتی گذر کرد و به آن نپرداخت. امروز دولتی و خصوصی راه را برای هدایت مصرف داخلی به تولیدات داخلی باز کرد. از طرف دیگر می‌بینیم که سبک و فرهنگ خرید مردم متأثر از عواملی همچون تبلیغات گسترده در شبکه‌های اجتماعی و تلویزیونی تغییرات اساسی نیز داشته و تولیدکنندگان و مولیان فضای کسب‌وکار نتوانسته‌اند خود را با شرایط جدید تطبیق داده و با برندسازی علمی و اصولی جایگاه کالای ایرانی را در عرصه رقابتی که روز به روز شدیدتر می‌شود محقق کنند که نباید از اثرگذاری و قابلیت رسانه‌ها نیز غفلت کرد. در این شرایط حساس به نظر می‌رسد مسؤولان و مدیران اجرایی اعم از دولتی و شبه‌دولتی در کشور برای خروج از رکود اقتصادی، بیکاری گسترده و ترغیب و هدایت مردم به استفاده از کالای داخلی، باید صنایع و تولیدات نمونه و دارای قدرت رقابتی را شناسایی و با حمایت و راهنمایی جدی و برنامه‌ریزی اصولی در زمینه تولید و تبلیغات و برندینگ سهم بازار کالای تولیدی در کشور را با توجه به مصرف هدایت شده، افزایش دهند.

✽کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی

